

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
و ارتباطات

سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶



کتابی که بارها باید خواند نقدی بر کتاب نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

• دکتر مرتضی کوکبی

استاد بازنشسته دانشگاه شهید چمران اهواز / kokabi80@yahoo.com

چکیده

کتاب نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی کتابی است که می‌تواند موجب تحولات نوینی در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی باشد. کتاب، مفاهیم نوینی را ارائه می‌کند که می‌توانند پاسخی باشند به آن‌چه رشته مذکور سال‌ها در پی آن است؛ یعنی یافتن مبنایی نظری برای رشته. این کتاب به‌ویژه از این نظر ارزشمند است که نظریه‌های مطرح در آن، راه را برای انجام پژوهش‌های کیفی باز می‌کنند. کتاب حاوی ۲۳ فصل است که هر کدام یک نظریه پرداز و نظریه پردازته او و نیز چگونگی کاربرد آن نظریه را در علم اطلاعات و دانش‌شناسی شرح می‌دهد. نظریه هر نظریه‌پرداز پس از اشاره کوتاهی به زندگی او ارائه می‌شود؛ اما شاید مهم‌ترین بخش هر فصل، ارائه نمونه‌هایی است که در (انتهای) هر بخش در مورد کاربرد هر نظریه در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی آمده‌است. کتاب نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی کتابی است بسیار سودمند که مطالعه آن از سوی نگارنده پژوهش حاضر توصیه می‌شود.

کلیدواژه

نظریه انتقادی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کتابداری و اطلاع‌رسانی.

۱. مقدمه

کتاب نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی کتابی انقلابی است؛ زیرا مفاهیم نوینی را در عرصه حرفه و رشته مطرح می‌کند که تاکنون در متون فارسی مربوط یا دیده نشده یا اگر دیده شده به‌گونه‌ای خلاصه به آن‌ها پرداخته شده‌است. در تعریف نظریه انتقادی، گلوریا لکی^۱ و جان بوشمن^۲ که از ویراستاران کتاب هستند، نقل قولی از دامز^۳ (ص ۷-۸) می‌آورند که چنین است:



■ گلوریا جی، لکی، گیون لیزا ام و جان ئی بوشمن. (۱۳۹۵)، نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، ترجمه فتاح محمدی، تهران، چاپار، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، ۶۱۸ ص، ۴۵۰۰۰۰ ریال، ۱۰۰۰ نسخه، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۶-۰۷۶-۰

«نظریه انتقادی به‌عنوان پروژه‌ای آغاز شد که توضیح می‌داد چگونه نظریه‌های سنتی درباب جامعه مدرن، تلقی از علوم اجتماعی، شیوه‌های مطالعه زندگی اجتماعی و روال‌های انجام تحقیق، از پیش فرض‌های عمدتاً تلویحی ولی به‌شدت مسئله‌ساز درباره رابطه بین علوم اجتماعی و جامعه، یعنی رابطه بین علوم اجتماعی و زمینه اجتماعی تاریخی انضمامی آغاز شدند. از دهه ۱۹۳۰ به بعد، نظریه انتقادی حکم یادنامه‌ای را داشت که می‌گفت قالب‌بندی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک ویژه بافت‌ها و زمینه‌های اجتماعی تاریخی، ارتباطی مستقیم با فرم، محتوا، رویه و جهت‌گیری‌های هنجارمند زندگی اجتماعی و علوم اجتماعی دارند».

آنان در جایی دیگر از همین مقدمه (ص ۱۲) می‌نویسند که:

«براین اساس، نظریه انتقادی بنیادهای ادعاها را به پرسش می‌کشد، کنش انسان و ساختارها را به‌عنوان اموری حادث در بطن فرهنگ و تاریخ جای می‌دهد، مقوله‌ها و طبقه‌بندی‌ها را به چون‌وچرا می‌کشد و تأکید می‌کند که منتقد/ نظریه‌پرداز، نه بی‌طرف است و نه بر فراز شرایط اجتماعی‌ای که موضوع نظریه‌پردازی اوست ایستاده‌است».

مقدمه کتاب از نظر توضیح پیرامون موضوعی که در مجموع، نظریه انتقادی خواننده می‌شود و همچنین نیاز رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی به این نظریه‌ها بسیار خواندنی است. کتاب حاوی ۲۳ فصل است که هرکدام یک نظریه‌پرداز و نظریه پرداخته او و چگونگی کاربرد آن نظریه را در علم اطلاعات و دانش‌شناسی شرح می‌دهد. فهرست مطالب کتاب به شرح زیر است:

۱. مقدمه: ضرورت نظریه انتقادی در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی/ گلوریا لکی و جان بوشمن؛
۱. میشل آگلیتا و نظریه تنظیم/ سایوبن استیونسون؛
۲. رولان بارت: درباره نشانه‌شناسی و رده‌بندی/ هانس دم کریستنسن؛

۳. رئالیزم انتقادی روی باسکار/ جان ام. باد؛
۴. سرمایه اجتماعی، خشونت نمادین و عرصه تولید فرهنگی: پی‌یر بوردیو و علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی/ لیزا هوسی؛
۵. فراتر از راهنما برای مقاومت: نوید رویه‌های میشل دوسرتو برای تحقیقات در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی/ پائولته روت‌باثر؛
۶. میشل فوکو: گفتمان، قدرت/ دانش و نبرد برای حقیقت/ میشل آر. اولسون؛
۷. واسازی کتابخانه با ژاک‌دریدا ایجاد فرصت و فضا برای «دیگری» در توصیف و طبقه‌بندی کتاب‌شناختی/ جوزف دئوداتو؛
۸. تعلیم‌وتربیت کتابخانه‌ای تحول‌ساز و کتابخانه‌های جماعت‌گرا: دیدگاه ملهم از پائولو فریره/ مارتینا ریدلر و مصطفی یونس اریامان؛
۹. روانکاوی به‌مثابه نقد در آثار فروید، لاکان، دلوز و گاتاری/ رانلد ئی. دی و اندرو جی. لو؛
۱۰. تأثیر آنتونی گیدنز بر علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی/ هاوارد روزنباوم؛
۱۱. کتابخانه دولتی به‌مثابه فضایی برای قدرت‌یابی دموکراتیک: هنری گیرو، دموکراسی رادیکال و تعلیم و تربیت مرزی/ مصطفی یونس اریامان؛
۱۲. هژمونی، جبهه‌های تاریخی و سرمایه‌داری: آنتونیو گرامشی در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی/ داگلاس ریبیر؛
۱۳. جامعه به‌مثابه بنیاد و خاستگاه نقد: یورگن هابرماس/ جان ئی. بوشمن؛
۱۴. نقد مارتین هایدگر بر مدرنیته اطلاعاتی/ رانلد ئی. دی؛
۱۵. برونو لاتور: ثبت‌کردن پیوندهای انسانی و غیرانسانی/ ویل ویلر؛
۱۶. نظریه جین‌لیو درباره رویه/ سانا تالیا؛
۱۷. آنری لوفور و دیالکتیکی فضایی/ گلوریا جی. لکی و لیزا ام. گیون؛
۱۸. هربرت مارکوزه: رهایی، اتوپیا و انقلاب/ آجیت پیاتی؛
۱۹. نظریه شانتال موفه درباره کثرت‌گرایی جدل‌آمیز و مناسبت آن برای تحقیقات علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی/ یوآخیم هانسون؛
۲۰. آنتونیو نگری و اطلاعات، امپراطوری و خیر عامه/ نیک‌دایر ویتفورد؛
۲۱. فردینان دوسوسور: ثنویت/ پل سولومون؛
۲۲. کندوکاو در کار متن واسط نهادها: دوروتی اسمیت و جامعه‌شناسی برای مردم/ رزاموند کی. استوک؛
۲۳. گایاتری چاکراورتی اسپیواک: واساز، مارکسیست، فمینیست؛ نظریه‌پرداز مناسبات پسااستعماری/ هوپ ای. اولسون، ملودی جی. فاکس و لیزا ام. گیون؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود کتاب، مجموعه‌ای از مقالات است که توسط گلوریا لکی، لیزا ام. گیون و جان بوشمن ویراستاری شده‌است. گلوریا لکی استاد بازنشسته دانشگاه وسترن اونتاریو^۴ در کانادا است. او درجه کارشناسی خود را در رشته اقتصاد و

جغرافیا و کارشناسی‌ارشد علم کتابخانه و اطلاعات و دکترای خود را در رشته جغرافیا از همین دانشگاه گرفته‌است. او یک‌دهه به‌عنوان کتابدار در کتابخانه‌های دانشگاهی و پژوهشی دولتی کار کرده‌است.

لیزا مه گیون نیز عضو هیئت‌علمی کانادایی‌استرالیایی است که دارای دو درجه کارشناسی در زبان انگلیسی و علوم تربیتی، کارشناسی‌ارشد در علم کتابخانه و اطلاعات و دکترا از دانشگاه وسترن اونتاریو است. گیون درحال حاضر عضو هیئت‌علمی دانشگاه چارلز استرت^۵ استرالیا است.

جان ای بوشمن نیز دارای درجه دکترا در زمینه مطالعات لیبرالی از دانشگاه جورج تاون^۶ در واشینگتن دی سی و کارشناسی‌ارشد علم کتابخانه و اطلاعات است. بررسی پیشینه علمی این سه ویراستار نشان‌دهنده توان علمی بالای آن‌ها است؛ اما جستجوهای اینترنتی برای یافتن اطلاعاتی پیرامون مترجم کتاب، یعنی فتح محمدی چندان موفقیت‌آمیز نبود و این جای تأسف است؛ زیرا ترجمه خوب کتاب یکی از ویژگی‌های آشکار این کتاب است و تلاش مترجم در ارائه ترجمه‌ای بی‌نقص به‌گونه‌ای است که اختصاص بخشی جدا در این نوشته را می‌طلبد.

مهدی شقاقی نیز دارای درجه دکترا در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه تهران و کارمند نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور است. او که ویراستاری این کتاب را برعهده داشته از نیروهای نسبتاً جوان در این حوزه است. نکته‌ای که در این کتاب مشهود نیست، سهم مترجم و ویراستار در آفرینش این اثر است؛ اما از آن‌جا که کار با ترجمه آغاز شده، منطقی به‌نظر می‌رسد که باید بیشترین اعتبار را به مترجم داد و در جای‌جای پژوهش حاضر به او اشاره کرد. درهرحال، سهم هریک هرچقدر باشد، درمجموع، اثری ارزشمند ارائه شده‌است.

۲. نگاهی کلی به کتاب

کتاب نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی آن‌قدر ارزشمند است که به‌سادگی می‌توان از کنار ایرادهای اندک آن گذشت. ایرادهایی را که در آغاز نوشته حاضر مطرح می‌شوند می‌توان با نگاهی به‌عنوان کتاب و عنوان فرعی آن (به‌اصطلاح فهرست‌نویسان، اطلاعات دیگر عنوان) آغاز کرد. با توجه به تاریخ نشر کتاب، یعنی سال ۱۳۹۵ این پرسش مطرح می‌شود که چرا عنوان کتاب، علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی ترجمه شده‌است. اگر بخواهیم به تغییر عنوانی که چندسال پیش در رشته اتفاق افتاد پایبند باشیم، می‌توانیم عنوان کتاب را این‌گونه ترجمه کنیم: نظریه انتقادی برای علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛ اما اگر بخواهیم به عبارت انگلیسی عنوان پایبند باشیم، منطقی‌تر است که باید عنوان را نظریه انتقادی برای علم کتابخانه و اطلاعات یا نظریه انتقادی برای کتابخانه و علم اطلاعات ترجمه کنیم.

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
و ارتباطات

سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۸

ترجمه عنوان اصلی هرچه باشد، پرسش دیگری مطرح می‌شود: چرا عنوان فرعی ترجمه نشده‌است؟ عنوان فرعی کتاب این عبارت انگلیسی است: *Exploring the social from across the discipline*. این عبارت را که می‌توان کشف جنبه اجتماعی حوزه یا کشف امر اجتماعی از تمامیت رشته ترجمه کرد، توضیحی است بر محتوای آن چه در این کتاب ارائه شده و اشاره به نکته‌ای دارد که به نظر می‌رسد مدت‌هاست در رشته و حرفه علم اطلاعات و دانش‌شناسی مغفول مانده‌است؛ یعنی جنبه‌های اجتماعی رشته و حرفه. این نکته که در جای خود در نوشته حاضر بررسی خواهد شد، لب کلام کتاب حاضر است. به‌سخن‌دیگر، ما فراموش کرده‌ایم که در نهادی اجتماعی فعال هستیم که وظیفه‌دار پیشسازی در جامعه در زمینه‌های گوناگون است؛ از جمله پرداختن به اقشار فروماندۀ جامعه که نظام‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی حاکم بر جامعه آن‌ها را به حاشیه رانده‌اند. این نکته‌ای است که پرداختن به آن از هرنظر برای ما کتابداران و جامعه‌ای که می‌خواهیم به آن خدمت کنیم، اهمیت دارد و جا دارد که در بخش ویژه‌ای از این نوشته به آن پرداخته شود.

اگرچه در نگارش کتاب، و سواسی شایسته تقدیر به کار رفته‌است، اما خطاهای اندکی در نگارش و املاء وجود دارند که باین که چندان هم در درک مفاهیم کتاب خللی ایجاد نمی‌کنند، اما بهتر است در ویراست‌های بعدی کتاب اصلاح شوند. برخی از این نکته‌ها به شرح زیر هستند:

ص. ۱۶، س. ۱۵، واژه «نظری» باید به صورت «نظریه» اصلاح شود؛

ص. ۴۹، ستون سمت چپ، س. ۲۵، «کاگران» به اشتباه به جای «کارگران» آمده‌است؛

ص. ۵۰، ستون سمت راست، س. ۲، «زیباشناسی» باید به «زیبایی‌شناسی» تغییر کند؛

ص. ۱۶۱، «پیش پارادایماتیک» باید «پیش پارادایگماتیک» باشد؛ و معلوم نیست چرا در صفحه ۲۶۳، همه نام‌های «اورلیکوفسکی^۷»، «اولیکوفسکی» نوشته شده‌است. از این‌گونه اشتباهات باز هم در متن دیده می‌شوند، اما این ضعف با توجه به حجم کتاب (۶۱۶ صفحه) و نیز دقتی که در نگارش کتاب به کار رفته، قابل چشم‌پوشی است.

نکته مثبت دیگری که در نگارش کتاب دیده می‌شود، دقت علمی در تلفظ نام‌های بیگانه است. البته در مواردی این دقت شایسته نیز نقض شده که باز هم قابل اغماض است. نمونه‌هایی از این نقض، در ادامه می‌آید:

ص. ۲۲، «سیوبن استیونسون» باید «سایوبن استیونسن» باشد؛

ص. ۳۶، یادداشت اول، «تام کارمیشل» باید «تام کارمایکل» باشد؛

در صفحه ۱۹۷، «لئونارد» به جای «لنرد» آمده‌است؛

ص. ۲۰۸، «سایگل» درست است. این‌گونه خطاها باز هم در متن دیده می‌شوند، اما در عمل هیچ اشکالی در فهم مطالب کتاب ایجاد نمی‌کنند. پانویس‌ها نیز در موارد اندکی اشکال دارند و برخی از آن‌ها تکراری هستند. مثلاً *culturisation* در صفحه ۹، *Culurisation* نوشته شده‌است. از این موارد باز هم به تعدادی نه‌چندان چشمگیر در کتاب دیده می‌شوند.

متن سلیس کتاب نیز که از جمله نکات مثبت آن است. اگرچه اعراب‌گذاری دقیق واژه‌ها به خواندن راحت متن کمک کرده، اما وسواس در این امر، در مواردی باعث شده که متن کتاب از سلاست لازم خارج شود. از جمله این‌که در مواردی از اصطلاحات عامیانه استفاده شده‌است؛ مانند استفاده از عبارت «سفت‌وسخت» در سطر ماقبل آخر صفحه ۲۲. در متن کتاب که متن دشواری است، اعراب‌گذاری برای درک مفاهیم بعضاً دشواری که در کتاب مطرح شده، به‌گونه‌ای مناسب اعمال شده‌است. نشانه کسره برای نشان دادن پیوند مفهومی وصفی یا اضافی در زمانی که همزه (که از آن هم به‌جا و مناسب استفاده شده) کارایی نداشته، به‌کار رفته‌است و از نشانه سکون برای ایجاد مکث استفاده شده‌است. همه این‌ها نشان‌دهنده دقت‌نظری است که مترجم با اشراف به متن دشوار کتاب اعمال کرده‌است. استفاده از نشانه قلاب در برخی موارد نیز نشانه پایبندی مترجم به متن اصلی هنگام افزودن نکات توضیحی به متن ترجمه شده‌است. نکته مثبت دیگر در متن کتاب، استفاده از نیم‌فاصله در واژگان مرکب است. واژگانی مانند ساخت‌یابی، اطلاع‌رسانی، جامعه‌شناختی و غیره نمونه‌هایی از این‌دست واژه‌ها هستند. علی‌رغم همه این موارد، متن کتاب گاهی از سلاست و روانی خارج شده‌است. یکی از دلایل این امر، ممکن است در مواردی، به‌ویژه زمانی که جمله طولانی است برای قابل‌درک ساختن بیشتر متن باشد. مثلاً در صفحه ۲۴۷، یادداشت شماره ۳ به این صورت است: «در آثار سوسور، واژه دال^۸ اشاره دارد به کلمات و واژه مدلول^۹ اشاره دارد به مفاهیم». جمله فوق می‌تواند به این شکل نوشته شود: در آثار سوسور، واژه دال^{۱۰} به کلمات و واژه مدلول^{۱۱} به مفاهیم اشاره دارد. اگرچه سلیس نبودن، خوانش متن و درک آن را با دشواری زیادی روبه‌رو نمی‌کند، اما در ویراست‌های بعدی کتاب - که انتشار آن اکیداً توصیه می‌شود اصلاح این‌گونه موارد موجب روانی کلام و سهولت بیشتر در درک آن خواهد شد. نمونه‌ای دیگر از سلیس نبودن متن، در زیر آورده می‌شود:

در صفحه ۲۶۶، در بخش نتیجه‌گیری، این جمله وجود دارد که ناقص است: «پس از ارائه‌ی مروری بر نظریه ساخت‌یابی، یک تحلیل گستره‌ی استناد به آثار گیدنز در نمونه‌ای از ادبیات علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی نشان داد». از این‌گونه ایرادها در متن دیده می‌شوند، اما در عمل اشکال اندکی در فهم مطالب ایجاد می‌کنند.

یکی از نقاط ضعف کتاب، اعداد درون پرانتزی هستند که معلوم نیست به کجا ارجاع می‌دهند. برای نمونه در سطر سوم از صفحه ۸، شماره (۱۸) معلوم نیست به چه چیزی ارجاع می‌دهد. در مواردی استفاده از معادل‌های بهتری امکان‌پذیر بوده‌است. در صفحه ۴۸، از اصطلاح «کتابداری فعال» استفاده شده که معادل انگلیسی آن در پانویس، library activism (واژه library اشتباه نوشته شده) آمده‌است. این عبارت بهتر بود «عمل‌گرایی کتابخانه‌ای»، «کنش‌گری کتابخانه‌ای» یا «کنش‌گرایی کتابخانه‌ای» ترجمه می‌شد.

۳. نگاهی به ساختار کتاب

در آغاز کتاب، مقدمه‌ای با عنوان «ضرورت نظریه انتقادی در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» وجود دارد که در آن، نویسندگان مقدمه این ضرورت را توضیح داده‌اند. در همین مقدمه بخشی با عنوان «نیاز به نظریه انتقادی در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» دیده می‌شود که خواندن آن جهت درک دلیل تدوین کتاب به‌راستی ضروری است. نقل برخی از دلایل نویسندگان می‌تواند سودمند باشد. آنان در همین بخش (ص ۱۴-۲۰) می‌نویسند:

«ما برآنیم که فهم نظریه انتقادی برای تحقیق در کتابداری و اطلاع‌رسانی حائز اهمیت است، آن هم به چند دلیل که یکی از آن‌ها قرائت بخش عمده تحقیق خود ما در جهت خلاف جریان است. نخست، در حالی که به‌یقین محققانی در کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند که روی هم‌رفته به‌دلیل آثار نظری انتقادی‌شان معروف‌اند (از جمله جان باد، جان بوشمن، رانلد دی، برنرد فرومان، مایکل هرپس، هوپ اولسن و سانا تالیا و دیگران)^{۱۲} اما یک سنت قوی در تولید گفتمان فرانظری به‌شیوه مثلاً فوکو، بوردیو، هابرماس، یا نگری^{۱۳} در کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌چشم نمی‌خورد...

دوم، ادغام‌شدن نظریه انتقادی در تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی سودمند است، چون ما را وامی‌دارد که با طرز تلقی‌ها و گرایش‌های اخیر در سایر رشته‌ها هماهنگ‌تر شویم...

سوم، نظریه انتقادی در عرصه‌های تحقیق و شیوه‌های کار مرتبط با کتابداری و اطلاع‌رسانی باید هم اقتباس عالمانه را تشویق کند و هم امکان دادن پاسخ به موضوعات جاری پیش روی عرصه را فراهم آورد؛ موضوعاتی چون سرکوب شورش‌ها، درخواست‌های فرهنگی محافظه‌کارانه برای پاک‌سازی محتوای کتابخانه‌ها (و صفحه‌های مونی‌تور آن‌ها)، رخنه بیش‌ازپیش تبلیغات به درون محتوا و درخواست‌های شدید و غلیظ برای تأثیرپذیری از (و انعکاس) تصور نولیبرالی بازار» (بروسو^{۱۴}، ۱۹۹۴؛ بوشمن، ۲۰۰۳).

سرانجام این‌که کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌عنوان یک عرصه اساساً اجتماعی، (به‌نحوی از انحاء) به شیوه کار جامعه، مردم، نهادها (از جمله کتابخانه‌ها اما نه فقط آن‌ها)، حکومت‌ها و فناوری‌های اطلاع‌رسانی و تعامل‌های بین آن‌ها علاقه‌مند است.

در جای دیگری از همین مقدمه (ص ۲۰) چنین می‌خوانیم:

«به‌علاوه، این کتاب با انبوه منابع نظریه‌ای از منظر اجتماعی یکی دیگر از باورهای مستتر در عنوان را به‌نمایش می‌گذارد: کتاب نقدی است بر این فرضیه‌های بررسی نشده و فحواهای علم‌گرایانه و پوزیتیویستی بخش اعظم تحقیق و رویه کتابداری و اطلاع‌رسانی.»

نظیر چنین استدلالی را می‌توان در صفحه ۸۰ که به فصل «رولان بارت: درباره نشانه‌شناسی و رده‌بندی» اختصاص دارد مشاهده کرد:

«نمایه‌سازان، تاریخ‌نگاران هنر و دیگر متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی با طبقه‌بندی موضوعات یا ابژه‌ها براساس طرح‌واره‌های ازپیش‌موجود، خطر بازتولید ایدئولوژی‌های ریشه‌دوانده در ساختارهای این رویه‌ها را به‌جان می‌خرند. تاریخ هنر یک حادثه خاص نیست. همین معضل را در حوزه‌های دیگر نیز می‌توان یافت؛ یعنی در هر جایی که نظام‌های طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی کلاسیک و نظام‌های طبقه‌بندی جهان‌شمول کلاسیک که به‌عبارتی، بدیهی دانسته می‌شوند [وجود دارند]، آن‌طور که باید و شاید به‌چون‌وچرا کشیده نمی‌شوند».

نیاز به تغییر در دیدگاه‌های کتابداران را در جاهای دیگر کتاب نیز می‌توان مشاهده کرد که نیاز به نظریه انتقادی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی را نشان می‌دهد. در فصل «میشل فوکو: گفتمان، قدرت/ دانش و نبرد برای حقیقت» نقل‌قولی از ردفور^{۱۵} ارائه شده (ص: ۱۶۴) که چنین است:

«کار ایجاد تحول در محیط کتابخانه از آن پیش‌برداشت مسلط بر نمی‌آید که کتابخانه را نهادی برای انبارکردن متون خاص حاوی حقایق توصیف می‌کند و کتابدار را یک میانجی یا واسطه غیرشخصی و منبع‌شناسی که وظیفه‌اش نشان‌دادن محل آن متون است. بعد از فوکو، کتابخانه، هم می‌تواند جای خیال‌پردازی‌ها باشد هم جای حقایق، هم جای آفرینش باشد هم جای اکتساب و یادگیری. همان‌طور که روایت اثبات‌گرایانه از دانش علمی کم‌کم جایگاه مسلط خود را از دست می‌دهد... بنیادهای اثبات‌گرایانه تجربه کتابخانه نیز باید به‌طور جدی بازبینی و تجدیدنظر شوند» (ردفور، ۱۹۹۲: ۴۲۰).

باز هم در همین مقدمه (ص ۲۱) نیاز به نظریه انتقادی برای رشته چنین بیان شده‌است: «بدین‌طریق کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌مثابه یک عرصه دچار فقر نظری (در معنایی که نظریه انتقادی مراد می‌کند) می‌تواند از دیدگاه‌های انتقادی‌تر و نظری‌تر سود فراوان (و استفاده ژرف‌تر) ببرد». به‌این‌ترتیب، خواندن بخش «ضرورت نظریه انتقادی در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» که در صفحه‌های ۱۴ تا ۲۰ کتاب ارائه شده‌است، به خوانندگان توصیه می‌شود.

پس از مقدمه، در ۲۳ فصل کتاب نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی از ساختاری کامیاب مشابه استفاده شده‌است. نویسنده (نویسندگان) هر فصل و وابستگی سازمانی او (آنان) در حد یک پانویس معرفی می‌شود. سپس زندگی‌نامه نظریه‌پردازی که فصل، پیرامون نظریه او و تأثیر آن بر رشته‌است، ارائه می‌شود. در این ارائه، گاهی بر رخداد‌های زندگی نظریه‌پرداز که بر تکوین نظریه او تأثیر داشته‌اند تأکید می‌شود و کتاب، از این منظر مانند دانشنامه کوچکی درباره فیلسوفان و فلسفه پسانوین است. نمونه‌ای

از این موارد، مورد ژاک دریدا^{۱۶} است که در این کتاب دربارهٔ او (ص ۱۷۲) چنین نوشته شده است: «برخی محققان (از جمله خود دریدا) گفته‌اند که تجربهٔ اولیهٔ او از تبعیض در شکل‌گیری حساسیتش به مضمون دیگری که نقش بزرگی در تفکر فلسفی او ایفا کرد، مؤثر بوده است». چندجمله پیش از جمله‌ای که در بالا نقل‌قول مستقیم شد از تبعیضی سخن می‌گویند که در مورد او به‌عنوان یک یهودی در سیاست‌های ضد یهودی حکومت ویشی اعمال شده است.

نظریهٔ هر نظریه‌پرداز پس از اشارهٔ کوتاهی به زندگی او ارائه می‌شود و این، معمولاً بخش دشوار هر فصل را تشکیل می‌دهد. مفاهیمی عمیقاً فلسفی که در هر مورد ارائه شده‌اند گاه به‌گونه‌ای دشوار هستند که چندبار خواندن متن را طلب می‌کنند (این یکی از دلایلی است که به‌سبب آن، عنوان نقد حاضر با عبارت کتابی که بارها باید خواند آغاز شده، اما بدیهی است که این تنها دلیل نیست؛ زیرا این کتاب به‌اندازه‌ای ارزشمند است که با هر بار خواندن، نکات جدیدی از آن آموخته می‌شود)، اما در این‌جا باز هم باید تأکید شود که دشواری درک متن، ناشی از دشواری درک مفاهیم فلسفی مطرح است، نه بدی ترجمه. یکی از دلایل دشواری متن، می‌تواند جدیدبودن موضوع باشد که کار زیادی را روی آن می‌طلبد. مفاهیم مطرح در کتاب، باید خواه از طریق مقالات، خواه از طریق کتاب‌ها با شرح و بسط بیشتری ارائه شوند تا درک مطالب آن آسان‌تر شود. نگارندهٔ این سطور تصمیم گرفته است تا با الهام از مفاهیم مطرح در این کتاب، به تدوین چند مقاله اقدام کند و از این بابت سپاسگزار مترجم کتاب است.

نکته‌ای که شاید مهم‌ترین بخش هر فصل باشد، ارائهٔ نمونه‌هایی است که در (انتهای) هر بخش در مورد کاربرد هر نظریه در رشتهٔ علم اطلاعات و دانش‌شناسی ذکر شده‌اند؛ درحالی‌که اگر این نمونه‌ها نیز نبودند، محتوای عالمانهٔ کتاب به‌گونه‌ای است که انجام پژوهش‌هایی را الهام می‌کند. با این حال، این نمونه‌های ارائه‌شده مسیر را برای انجام پژوهش‌هایی بنیادی (و کیفی) هموار می‌سازند؛ پژوهش‌هایی که کمبود (شاید نبود) آن‌ها مدت‌هاست که اهالی رشته را رنج می‌دهد.

حجم این نمونه‌ها در فصل‌های مختلف، متفاوت است. میزان صراحت و مستقیم‌بودن ارتباط نمونه‌ها با رشته نیز از موردی به مورد دیگر فرق می‌کند. مثلاً در فصل مربوط به «رنالیزم انتقادی روی باسکار» این نمونه‌ها بیشتر دیده می‌شوند. در فصل «سرمایهٔ اجتماعی، خشونت نمادین و عرصهٔ تولید فرهنگی: پی‌یر بوردیو و علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» آن‌گونه‌که از عنوان نیز آشکار است، بخشی به‌طور خاص به علم اطلاعات و دانش‌شناسی اختصاص یافته است. در این فصل، نه تنها بخشی با عنوان «بوردیو و علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» وجود دارد، بلکه در بخش «ملاحظات برای تحقیقات آینده»، نکته‌هایی ارائه شده که خواندن آن به خوانندگان کتاب توصیه می‌شود. در فصل «فراتر از راهنما برای مقاومت: نوید رویه‌های میشل دوسرتو برای تحقیقات در علوم

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
وابتباطات

سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۳

کتابداری و اطلاع‌رسانی»، دو بخش با عنوان‌های «تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی و میشل دوسرتو: تکیه‌گاه مقاومت» و «نوید رویه‌های زندگی روزمره برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» وجود دارد که مستقیماً به رشته پرداخته‌اند. در فصل «واسازی کتابخانه با ژاک دریدا: ایجاد فرصت و فضا برای دیگری در توصیف و طبقه‌بندی کتاب‌شناختی» بخشی با عنوان «پیامدهای آثار دریدا برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» وجود دارد که به‌نوعی وارد ریزترین موضوعات علم اطلاعات و دانش‌شناسی مانند نظام‌های رده‌بندی و سرعنوان‌های موضوعی می‌شود. این بخش از کتاب، شاید سودمندترین اطلاعات را در مورد نیاز به تغییر نگرش حتی در این موارد جزئی نشان می‌دهد.

حتی اگر این نمونه‌ها هم ارائه نشده بودند، بخش «نتیجه‌گیری» در انتهای هر فصل، خلاصه فصل و چگونگی آمیزش محتوای آن با علم اطلاعات و دانش‌شناسی را شرح می‌دهد. زبان این نتیجه‌گیری‌ها معمولاً ساده‌تر از زبان خود فصل است و شاید خواندن آن‌ها به‌تنهایی الهام‌بخش انجام برخی پژوهش‌ها باشد.

دو نکته مثبت دیگر در کتاب وجود دارد: یکی منابع انتهای هر فصل است که خواننده را به منابع دیگر معرفی می‌کند که البته همگی به زبان انگلیسی هستند، اما می‌توانند کلیدی برای مطالعات بیشتر در زمینه مورد بحث باشند و دیگری، نمایه کتاب در صفحه‌های ۵۹۹ تا ۶۱۶ که با توجه به حجم زیاد کتاب، سودمند است.

۴. یک پیشنهاد

برپایه آن چه در بالا گفته شد، نگارنده پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند که کتاب نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌عنوان یک متن درسی برای دوره دکترا و پسادکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی استفاده شود. پندارهای نوین و انتقادی که در این کتاب ارائه شده‌اند، می‌توانند منابعی برای انجام پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه‌های دکترا و پژوهش‌های پسادکترا باشند. این کتاب، حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. مطلبی که به‌نقل از مور^{۱۷} در صفحه‌های ۲۸۵ تا ۲۸۷ آمده و در زیر، عیناً نقل می‌شود ضمن یادآوری و تعیین وظایفی نوین برای کتابداران و کتابخانه‌ها، می‌تواند برخی موضوعات را برای پژوهش‌های آتی در سطوح دکترا و پسادکترا ارائه کند؛ اگرچه همان‌طور که پیش‌ازین ذکر شد کتاب، سرشار از موضوعاتی نو برای پژوهش‌های بنیادی (کیفی) و کاربردی است:

- کمک به خلق یک ملت مطلع: کتابداران به‌عنوان عاملان دموکراسی باید شهروندان را برای مشارکت و گفت‌وگوی سیاسی آماده کنند و می‌توانند کتابخانه‌ها را برای مشارکت‌های عمومی قابل‌دسترس سازند تا در آن‌ها مردم بتوانند علایق و دغدغه‌های مشترک را در میان بگذارند؛

- آموزش: کتابخانه‌ها، علاوه بر فراهم‌آوردن امکان دسترسی به اطلاعات، باید دوره‌های آموزش سواد اطلاعاتی برگزار کنند و به افراد در شناسایی و ارزیابی اطلاعات ضروری برای

- تصمیم‌گیری‌های مؤثر در نحوه زندگی، کار و اداره امور خود یاری رسانند؛
- پُر کردن شکاف دیجیتال: کتابداران باید برابری اطلاعاتی را به اولویت نخست خود تبدیل کنند و از حکومت تضمین بگیرند که همه مدارس و کتابخانه‌های عمومی از امکان دسترسی الکترونیک به اطلاعات بهره‌مند خواهند شد؛
 - غنیمت‌شمردن تغییر: کتابداران باید با آغوش باز از تغییر استقبال کنند و آن را به‌عنوان فرصتی برای رشد و پیشرفت به‌کار گیرند. از این‌رو باید دست‌در دست هم با حکومت‌ها برای در انداختن طرح‌هایی چون کتابخانه‌های مجازی ملی و مراکز عمومی و خدمات اطلاع‌رسانی مبتکرانه کار کنند؛
 - تبلیغ آزادی اندیشه: کتابداران برای حمایت از آزادی اندیشه و مبارزه علیه سانسور، صلاحیت کامل را دارند. آن‌ها باید علیه سانسور فریاد اعتراض سر دهند و زیر بار حذف منابع از کتابخانه‌های خود به‌دلایل دیدگاه‌های ایدئولوژیک یا مذهبی نروند؛
 - جلب حمایت: کتابداران باید از طریق روابط عمومی کتابخانه‌شان با کارگزاران حکومت برای تضمین دسترسی همهٔ جماعت‌ها و مدارس به کتابخانه یا مراکز اطلاعاتی وارد مذاکره شوند. از آن‌جا که کتابخانه‌ها در عین حال عاملان دموکراسی هستند، کتابداران باید حکومت را تشویق کنند که آن‌ها را به‌عنوان شرکای خود به‌حساب آورند؛
 - تأمین دسترسی آزاد به کتابخانه‌ها: کتابداران باید درهای کتابخانه‌های خود را به روی همه، بدون توجه به نژاد، سن، جنسیت، مذهب، یا دیدگاه‌های سیاسی بکشایند و برای تضمین این‌که خدمات آن‌ها بری از دخالت باورها یا عقاید شخصی آنان است، نوعی بی‌طرفی حرفه‌ای را پیشه خود سازند؛
 - ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی: کتابداران باید ابتکار عمل داشته باشند و فرهنگی مبتنی بر یک ملت کتاب‌خوان بنیان نهند. از این‌رو، طرح‌های «خوره کتاب»^{۱۸} باید به مناطق روستایی گسترش یابند، کتابخانه‌ها بدل به «مأمّن التیام»^{۱۹} شوند و مجموعه‌هایشان امید به آینده را ایجاد کنند؛
 - ایجاد مجموعه‌های [مجموعه‌هایی] متعادل: کتابداران می‌توانند با ایجاد مجموعه‌های کتابخانه‌ای متعادل دربارهٔ موضوعات گوناگون برای برآوردن نیازهای مختلف، از دموکراسی حمایت کنند. [آنان] همچنین می‌توانند بحث آزاد و مجادلهٔ بی‌قید و شرط را رواج دهند و تشویق کنند و در حفظ و حراست میراث فرهنگی بکوشند؛
 - حمایت از تحقیق: کتابخانه‌های دانشگاهی و خاص می‌توانند با بازیابی و به‌کارگیری تحقیقات، از آن‌ها حمایت کنند (۵-۷).
- سخن آخر این‌که کتاب نظریهٔ انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی کتابی است بسیار سودمند که مطالعهٔ آن از سوی نگارندهٔ حاضر بسیار توصیه می‌شود.

بی‌نوشت

1. Gloria Leckie
2. John Buschman
3. Dahms
4. Western Ontario
5. Charles Sturt
6. Georgetown University
7. Orlikowski
8. Signifier
9. Signified
10. Signifier
11. Signified
12. John Budd, John Buschman, Ron Day, Bernd Frohmann, Michael Harris, Hope Olson and Sanna Talja.
13. Negri
14. Brosio
15. Radford
16. Jacques Derrida
17. More
18. Born to read
19. Places of healing

<https://arts-ed.csu.edu.au>

<https://en.wikipedia.org>

<https://www13.shu.edu>

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
و ارتباطات

سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۶

منابع